

Economic Growth and Development Research

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

The Relationship between Economic Growth and Financial Decentralization

Ali Younessi¹

1. Assistant professor
of Economics, PNU
University, Iran.

Correspondence
Ali Younessi
Email: a_younessi@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Financial decentralization is a multi-dimensional process in which some powers are transferred from the central government to the governors, and the most important thing is, the return of all the revenues of each province to the same province. One of the effects of financial decentralization is economic growth. Economic growth is measured through the difference in GDP. Economic growth in any country shows the economic and productive performance of each province, and the increase in the production of each province leads to the economic growth of the entire country. This study was conducted in order to investigate the relationship between economic growth and financial decentralization in the provinces of Iran, in which three cities and towns were selected as samples from each province. The technique used in this research is panel data. In this method, the data have time series and cross-sectional characteristics, consist of several dimensions and cover several periods. The time period of the research is 1397 to 1400. The equations related to the independent and dependent variables of this research are taken from the research model of Suyanto (2009), Langudi (2006) and Khosini (2006). The results of the research show that the increase in financial decentralization and the return of revenues from each province to the same province and even grants from the central government have a significant positive effect on economic growth. In addition to this, the research model shows that financial decentralization can improve public spending, reduce the population of low-income people, and ultimately improve the human capital index of provinces

KEY WORDS

Financial Decentralization, Economic Growth, Gross Domestic Product.

JEL Classification: O10, J24, O1.

فصلنامه علمی

پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی

«مقاله پژوهشی»

رابطه بین رشد اقتصادی و تمرکززدایی مالی

علی یونسی^۱

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور ایران.

نویسنده مسئول:

علی یونسی

رایانامه:

a_younessi@pnu.ac.ir

چکیده

تمرکززدایی مالی، فرایندی است چند بعدی که در آن برخی اختیارات از دولت مرکزی به استانداران منتقل می‌شود و مهمترین شئون آن برگشت کلیه درآمدهای هر استان به همان استان است. یکی از اثرات تمرکززدایی مالی رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی از طریق تفاوت میزان تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می‌شود. رشد اقتصادی در هر کشوری، نشان دهنده برآیند عملکرد اقتصادی و تولیدی هر استانی است و افزایش تولیدات هر استان منجر به رشد اقتصادی کل کشور می‌گردد. این مطالعه به منظور بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و تمرکززدایی مالی در استان‌های ایران انجام شده است که در آن از هر استان سه شهرستان و شهر به عنوان نمونه انتخاب شده است. تکنیک استفاده شده در این تحقیق داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است. در این روش داده‌ها دارای ویژگی‌های سری زمانی و مقطعی هستند، از چندین بعد تشکیل شده و چندین دوره را پوشش می‌دهند. دوره زمانی تحقیق ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. معادلات مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق از مدل تحقیق سویانتو (۲۰۰۹)، لنگودی (۲۰۰۶) و خوسینی (۲۰۰۶) اقتباس شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افزایش تمرکززدایی مالی و برگشت درآمدهای هر استان به همان استان و حتی کمک‌های بلاعوض دولت مرکزی، تأثیر مثبت قابل توجهی بر میزان رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این مدل تحقیق نشان می‌دهد تمرکززدایی مالی می‌تواند موجب بهبود مخارج عمومی، کاهش جمعیت افراد کم درآمد و در نهایت بهبود شاخص سرمایه انسانی استان‌ها گردد.

واژه‌های کلیدی

تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی.

طبقه بندی JEL: O1، O10، J24.

استناد به این مقاله:

یونسی، علی. (۱۴۰۲). رابطه بین رشد اقتصادی و تمرکززدایی مالی، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۳(۵۳)، ۱۵۸-۱۴۵.

https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_10590.html

۱- مقدمه

عمومی، رشد اقتصادی، کاهش میزان فقر و همچنین توسعه انسانی را توصیف می‌کند. تئوری‌های توسعه یافته در این مطالعه انحراف از نظریه تمرکززدایی (مالی) است که شامل: مفهوم و تعریف تمرکززدایی، هدف تمرکززدایی مالی، ابزارهای تمرکززدایی، انتقال بین دولتی، تمرکززدایی مالی و کارکردهای دولت محلی، رابطه نظری بین تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی، مدل رشد اقتصادی با در نظر گرفتن دولت‌های مرکزی و محلی، رشد اقتصادی در مدل توسعه انسانی.

۲- ادبیات موضوع

تمرکززدایی به طور کلی فرایند انتقال قدرت در تصمیم‌گیری به دولت‌های محلی تعریف می‌شود.^۱ تمرکززدایی در مطالعات مختلف به ابعاد مختلفی تقسیم شده است (برد و وایلانکورت، ۱۹۹۸ و مارتینز ۲۰۰۳).^۲

اول: تمرکززدایی جغرافیایی که به معنی تقسیم یک منطقه به مناطق کوچک‌تر است با اختیارات مشخص در این مناطق.
دوم: تمرکززدایی عملکردی که به معنی توزیع اختیارات و مسئولیت‌های دولتی به واحدهای عملکردی مختلف در یک اداره است
سوم: تمرکززدایی سیاسی و اداری.

تمرکززدایی سیاسی مربوط به تغییر قدرت تصمیم‌گیری از سطوح بالاتر به سطوح پایین‌تر دولت است. در این زمینه، مشارکت جوامع محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری فرصت بسیار گسترده‌ای به دست می‌آورد. در حالی که تمرکززدایی اداری ارتباط نزدیکی با تمرکززدایی سیاسی دارد، هر دو از نظر واقعی قابل تشخیص نیستند. اما بیشتر بر عملیاتی کردن یا اجرای سیاست یا تصمیم عمومی به منظور موفقیت بهینه تمرکز دارد (منکیو، ۲۰۰۳).^۳

چهارم: تمرکززدایی مالی که مربوط به انتقال مسئولیت مخارج و درآمدهای دولت مرکزی به دولت‌های محلی است.

یکی از مؤلفه‌های کلیدی و اصلی در سیاست تمرکززدایی، تمرکززدایی مالی است. از طریق تمرکززدایی مالی، اختیار مدیریت مالی بزرگ‌تر می‌شود. تعریف تمرکززدایی مالی عبارت است از تفویض اختیار به مناطق

توسعه سریع در کشورهای در حال توسعه و تمرکز روزافزون جمعیت و فعالیت در برخی از مناطق کشور توازن و تعادل را بر هم زده و باعث ایجاد دوگانگی در مناطق شده و این موضوع به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی کشورهای جهان سوم درآمده است، لذا یکی از موانع اصلی و مهم در توسعه ملی این کشورها، بر هم خوردن تعادل و برابری منطقه‌ای است. به همین دلیل انتخاب شاخص مناسب توسعه منطقه‌ای و روش مناسب سنجش توسعه و نابرابری منطقه‌ای، دولت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را قادر می‌سازد تا مناطق محروم و فقیر را شناسایی نمایند و برنامه‌های ویژه‌ای برای کاهش شکاف بین مناطق و توجه به مناطق عقب مانده در نظر بگیرند.

یکی از اقدامات مالی که امروزه اکثر کشورهای در حال توسعه در جهت ارتقا سطح کارایی، تخصیص منابع و افزایش توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار داده‌اند، تجدید نظر در ساختار تشکیلات و نهادهای دولتی و حیطة‌ی اختیارات و مسئولیت‌های آنها است. از سوی دیگر عملکرد دولت‌های متمرکز باعث شده که این دولت‌ها در حیات بلندمدت خود نتوانند، به حل پایدار مسائل توسعه همچون فقر، بیکاری، رشد نازل اقتصادی، مشارکت پایین مردم، راکد ماندن بسیاری از ظرفیت‌ها، ائتلاف منابع و غیره بپردازند.

دلیل این ناتوانی را باید در تمرکز محوری مداری و سازمانی، آن هم بدون تناسب زمانی و مکانی جستجو کرد. این تمرکزگرایی نامناسب، در ذات خود دیوان سالاری گسترده، غیر اثربخش و غیر کارآمد، همراه با دستورات اداری و تحکمی از بالا به پایین راه، در پی داشته است. سؤالی که این مقاله به دنبال یافتن پاسخ آن است عبارت است از: آیا تمرکززدایی مالی باعث بهبود رشد اقتصادی می‌شود؟ متغیرهای این تحقیق عبارتند از بودجه متوازن، مخارج عمومی دولت، نرخ رشد اقتصادی، کل جمعیت فقیر و همچنین HDI

با توجه به سؤال تحقیق که در بالا به آن اشاره شد اهداف ویژه این تحقیق عبارت از:

۱- اثبات تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها

۲- اثبات تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصاد

۳- اثبات تأثیرات تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی بر کل جمعیت فقیر

از لحاظ نظری، این مطالعه تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج

1. Bird & Vaillancourt (1998), Martinez-Vasquez (2003)

2. Campo & Sundaram (2002); Sidik (2002); Martinez-Vasquez and McNab (1997)

3. Mankiw (2003)

به منظور اداره بهینه کشور همواره مد نظر قرار گرفته است نظام حکومتی که هخامنشیان به وجود آوردند نخستین حکومت فدراتیو در تاریخ بشر شمرده می‌شود. در واقع پارسها نوعی دولت آزادمنش با نوعی مدیریت مبتنی بر اصول تمرکز و عدم تمرکز شکل دادند. پس از آن سلوکیان نیز از این شیوه برای اداره قلمرو خود استفاده کردند. اشکانیان به این سبب که روش حکومت قدیمی را برپا داشتند حکومت آنها شبیه به ملوک الطوائفی بود. ساسانیان سنت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی دوره هخامنشیان را احیا کردند. روزگار انوشیروان اوج نظم و انضباط حکومت ساسانیان بود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵). پس از اسلام دوره جدیدی آغاز گردید که باید آن را از عصر پیدایش حکومت‌های محلی در متنهالیه شرقی دولت اسلامی دانست. این تغییر و تحولات در تقسیمات کشور ایران تا زمان صفویه ادامه یافت در نظام فدراتیو صفوی میزان خودمختاری ایالات و بیگلرلیکی‌ها باهم تفاوت داشتند و این نظام حکومتی در دوران قاجار به سراسیمی افتاد و منجر به انقلاب مشروطه و تدوین قانون اساسی در سال ۱۲۸۵ و تأسیس مجلس شورای ملی و تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و واگذاری اختیار به انجمن‌ها گردید (غفاری فرد، ۱۳۹۱: ۱۷). اداره امور عمومی در مناطق کشور در آن دوره به روش گریز از مرکز انجام می‌شد که با مفهوم عدم تمرکز در دولت یکپارچه تفاوت ماهوی داشت. سرانجام هم به دلیل همان حرکت‌های گریز از مرکز قوانین مصوب سال‌های اولیه به فراموشی سپرده شد. نظام حکومتی در دهه چهارم قرن بیست منحل و جای خود را به نظام حکومتی متمرکز داد در دوره پهلوی دوم از برنامه عمرانی سوم تا برنامه عمرانی پنجم به شکلی از تمرکز زدایی و تغییر نظام اداری اشاره می‌شود که شامل نحوه تصمیم‌گیری اجرا و نظارت و شرکت عموم در برنامه‌ریزی و احاله اختیارات اجرایی به مناطق می‌شود. بعد از انقلاب با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تأکید قانون اساسی بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش و توزیع عادلانه فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق کشور تأکید کرد در اصل یکصدم تشکیل شوراهای اسلامی مورد توجه واقع می‌شود مضاف بر اینکه در برنامه اول تا برنامه چهارم توسعه به تمرکز زدایی و واگذاری امور به مردم آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای پرداخته شده است (سلامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۰). علیرغم تمامی موارد فوق، نظام تقسیمات کشوری ایران که از سال ۱۳۱۶ با حاکمیت تمرکز گرایانه بر سرنوشت کشور حاکم گردیده تاکنون تغییر ماهوی متناسب با تحولات سیاسی اجتماعی و اقتصادی به خود ندیده است و سیاست‌های متمرکز زدایی تحقق عینی و عملی نیافته آنچه

برای اکتشاف و استفاده از منابع خود مطابق با پتانسیل درآمد منطقه‌ای. علاوه بر این، بسیاری از کارشناسان بر نیاز به تمرکز زدایی مالی برای بهبود کارایی اقتصادی، کارایی هزینه، بهبود پاسخگویی و افزایش تجهیز و جوه تأکید کرده‌اند (برد و وایلانکورت، ۱۹۹۸: ۷۸).^۱

اجرای عدم تمرکز مالی و خودمختاری منطقه‌ای اختیارات گسترده و ملموسی به دولت‌های محلی برای مدیریت و سازماندهی منابع مطابق با منافع یک جامعه محلی خواهد داد. در چنین شرایطی مقامات دولتی محلی اولویت‌های توسعه را مطابق با پتانسیل و منابعی که در اختیار دارد تعیین می‌کنند.^۲ ماموریت اصلی سیاست تمرکز زدایی مالی، بهبود کمی و کیفی خدمات عمومی و رفاه مردم، ایجاد اثربخشی و کارایی حوزه‌های مدیریت منابع و ایجاد فضایی برای مشارکت مردم در فرآیند توسعه است.^۳ یکی دیگر از دلایل تمرکز زدایی مالی به دلیل فوریت ارائه خدمات دولتی کارآمدتر است.

تمرکز زدایی مالی یا تمرکز زدایی در حوزه اقتصادی عبارت است از تحویل برخی اختیارات دولتی به دولت‌های محلی برای اجرای کارکردهای تخصیص، توزیع و تثبیت، با هدف تنظیم و مدیریت اقتصاد منطقه به منظور ایجاد ثبات در اقتصاد ملی است.^۴ برای رفتن به سمت سیستم دولتی موثرتر و کارآمدتر، لازم است بسیاری از اختیارات و مسئولیت‌های دولت مرکزی برای اجرای سه هدف فوق به دولت‌های محلی واگذار شود و همچنان مسئولیت کنترل این سه وظیفه و همچنین متغیرهای کلان اقتصادی با دولت مرکزی باشد (سوگیون، ۲۰۰۳: ۱۲۵).

به طور کلی، هدف نهایی سیاست عدم تمرکز مالی، دستیابی به رفاه مطلوب جامعه است. این امر در صورتی محقق می‌شود که مدیریت توسعه منطقه‌ای تنها بر عهده دولت مرکزی نباشد، زیرا دولت‌های محلی اطلاعات بهتری در مورد پتانسیل‌ها و مشکلات منطقه خود دارند. بنابراین، اگر برخی از مسئولیت‌های مدیریتی ساخت و ساز به مقامات دولتی محلی متناسب با اختیارات قانونی آن واگذار شود، رفاه جامعه در منطقه با سرعت بیشتری محقق می‌شود.

۲-۱- تمرکز زدایی در ایران

در ایران مدیریت سیاسی-اداری حاکم بر نواحی و مناطق مختلف

1. Bird and Vaillancourt (1998)
2. BPS (2005)
3. Mardiasmo (2001)
4. Sugiyono (2003)

تاکون مورد غفلت واقع شده است و گذاری اختیارات به صورت کیفی و توجه به رابطه معنادار تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران

است (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۰).

۳-پیشینه پژوهش ۳-۱- مطالعات داخلی

ردیف	محققین	دوره	نام مطالعه	روش	نتایج تحقیق
۱	غفاری فرد و همکاران (۱۳۹۱)	۱۳۸۶- ۱۳۷۹	مدل‌سازی آثار اقتصادی تمرکززدایی مالی در مناطق مختلف ایران در راستای توسعه عدالت محور	روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)	تمرکززدایی مالی با سه شاخص تعریف شده (تمرکززدایی درآمدی، تمرکززدایی از مخارج عمرانی ملی و تمرکززدایی از مخارج عمرانی تخصیصی به استان) بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان‌ها تأثیر مثبت داشته است به طوری که یک درصد افزایش در تمرکززدایی مالی نرخ رشد اقتصادی استان‌ها را تا سطح ۰.۶ درصد افزایش می‌دهد. همچنین تمرکززدایی مالی از طریق تأثیر مثبت بر بهبود توزیع درآمد در استان‌ها به‌طور غیرمستقیم رشد اقتصادی مناطق را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۲	سامتی و همکاران (۱۳۹۱)	۱۳۸۶- ۱۳۸۰	تحلیل اثرات تمرکززدایی مالی بر ارتباط متقابل رشد و توزیع عادلانه منابع مالی در استان‌های ایران	روش سیستم معادلات همزمان	وجود رابطه غیرخطی بین تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی و همچنین بین تمرکززدایی مالی و توزیع عادلانه منابع مالی. بین دو سطح مشخص از تمرکززدایی، دو متغیر رشد و توزیع عادلانه خلاف جهت هم و در خارج از این دو سطح، در جهت هم حرکت می‌کنند. همچنین بین رشد و توزیع عادلانه منابع مالی تقابل وجود دارد.
۳	صادقی شاهدانی و همکاران (۱۳۹۳)	۱۳۸۶- ۱۳۷۹	اثر تمرکززدایی مالی، توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران	روش‌های حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی (EGLS)	افزایش یک درصد در تمرکززدایی مالی، منجر به کاهش ضریب جینی در طول زمان می‌شود و به‌طور غیرمستقیم رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد.
۴	خدیجه جوکار و همکاران (۱۳۹۴)	۱۳۸۹- ۱۳۷۹	بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر فقر و توزیع درآمد در ایران	روش بروزرسانی مکرر و کاملاً تعدیل شده (CUP-FM)	تمرکززدایی درآمدی در درازمدت باعث کاهش فقر در ایران می‌شود و تمرکززدایی مخارج باعث افزایش فقر در ایران می‌شود. همین‌طور تمرکززدایی مالی از جنبه درآمدی تأثیر منفی بر نابرابری درآمد دارد و در درازمدت باعث کاهش نابرابری درآمد در ایران می‌شود، ولی از بعد مخارج اثر تمرکززدایی مالی بر نابرابری درآمد مثبت و در درازمدت موجب بدتر شدن توزیع درآمد در ایران می‌شود.
۴	گل‌خندان و همکاران (۱۳۹۶)	۱۳۸۱- ۱۳۸۱	سنجش تأثیر غیرخطی تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت در استان‌های ایران	رهیافت cup-fm	اثر شاخص‌های تمرکززدایی مالی بر روی اندازه دولت استانی به شکل منحنی U معکوس می‌باشد؛ به گونه‌ای که بیش‌تر استان‌های کشور در قسمت صعودی این منحنی قرار دارند. همچنین، نتایج برآورد پارامترهای متغیرهای کنترل نشان دهنده تأثیرپذیری مثبت و معنادار اندازه دولت استانی از تولید ناخالص داخلی سرانه، تجارت و جمعیت است.

نتایج بررسی توابع عکس‌العمل آنی نشان دهنده تأثیرات مثبت شوک‌های تمرکززدایی درآمد بر روی میزان بر روی میزان شاخص بخش سلامت و بهداشت می‌باشد. در آخر نتیجه‌گیری می‌شود با تمرکززدایی مالی و توزیع مناسب بودجه دولت مرکزی ایران در استان‌های کشور، می‌توان از طریق افزایش هزینه‌های بهداشتی استانی و همچنین بهبود شاخص‌های بهداشت و سلامت، شاهد رشد سطح سلامت عمومی در کل کشور بود.	مدل خودرگرسیون برداری پانل	تحلیل و بررسی تمرکززدایی مالی بر کارایی و بهبود عملکرد بخش سلامت و درمان در ایران	۱۳۹۰- ۱۳۸۰	حسنوند و همکاران (۱۳۹۷)	۶
--	----------------------------	---	---------------	-------------------------	---

مأخذ: یافته‌ها تحقیق

۲-۳- مطالعات خارجی

ردیف	محققین	عنوان مطالعه	روش	نتایج تحقیق
۱	بال (۲۰۱۳)	قوانین اجرایی برای تمرکززدایی مالی	OLS و 2SLS	قانون شماره ۱ تمرکززدایی مالی باید به عنوان یک سیستم جامع در نظر گرفته شود. قانون شماره ۲ امور مالی از عملکرد پیروی می‌کند. قانون شماره ۳ باید یک توانایی مرکزی قوی برای نظارت و ارزیابی تمرکززدایی وجود داشته باشد. قانون شماره ۴ یک سیستم بین دولتی برای بخش شهری و روستایی مناسب نیست.
۲	دینسر (۲۰۱۰)	عدم تمرکز مالی و اعتماد	روش‌های حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS)	یک درجه افزایش تمرکززدایی مالیاتی باعث افزایش نابرابری درآمدی خانوار در درون یک کشور می‌شود.
۳	بیلین (۲۰۱۰)	عدم تمرکز مالی و کسری: شواهد بین المللی	OLS	شواهد پانل برای ۱۶ کشور طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۸ نشان می‌دهد که تمرکززدایی مخارج و درآمد کسری بودجه را کاهش می‌دهد.
۴	هیروکو و یوریکا (۲۰۰۹)	اندازه‌گیری تمرکززدایی مالی در فیلیپین	آزمون علیت گرنجر	این مقاله بر تمرکززدایی مالی در فیلیپین پس از قانون دولت محلی ۱۹۹۱ تمرکز دارد. نتایج نشان می‌دهد پس از تمرکززدایی مالی، مسئولیت هزینه‌های محلی گسترش می‌یابد در حالی که ظرفیت مالی محلی در فیلیپین تقویت نمی‌شود.
۵	مارتینز و ام سی ناب (۲۰۰۵)	عدم تمرکز مالی، ثبات کلان، و رشد	حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS)	به نظر می‌رسد که تمرکززدایی مالی از طریق تأثیر مثبت آن بر ثبات اقتصاد کلان، تأثیر مثبت و غیرمستقیم بر رشد داشته باشد.
۶	احتشام و مرسدس (۲۰۰۸)	محدودیت‌های عدم تمرکز مالی موثر در پرو	رگرسیون چندگانه	این مقاله نشان می‌دهد که یک دستور کار در حال انتظار برای درک مزایای فرآیند تمرکززدایی، از جمله کاهش نابرابری و فقر در سراسر مناطق وجود دارد.

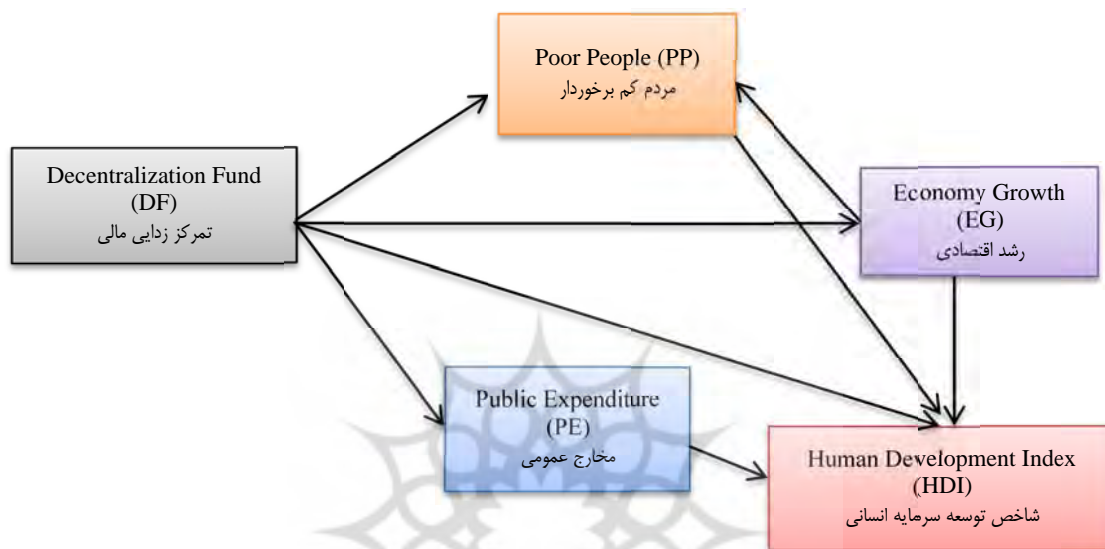
مأخذ: یافته‌ها تحقیق

1. Bahl (2013)
2. Dincer (2010)
3. Bilin (2010)
4. Hiroko, Uchimura & Yurika, Suzuki. 2009
5. Martinez-Vazquez, J & McNab, R. 2005
6. Ehtisham, A & Mercedes, G. 2008

چارچوب فکری و مفهومی این مطالعه به استدلال‌های نظری و تجربی قبلی اشاره دارد که در آن سیاست تمرکززدایی مالی با توجه به قانون اساسی، اصل یکصدم تشکیل شوراهای اسلامی و برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس مدل مفهومی تحقیق به شرح زیر خواهد بود.

علی‌رغم ارزشمند بودن تحقیقات فوق، عمده آنها از نظر متغیرهای مورد استفاده، روش و نوع کشورها با اطلاعات کاربردی در این مقاله متفاوت است. در این تحقیق تأثیر تمرکززدایی مالی بر روی رشد اقتصادی خواهد بود.

۴- چارچوب فکری و مفهومی پژوهش



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق
مأخذ: یافته‌های تحقیق

انجام شده است.

تکنیک استفاده شده در این تحقیق داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است. در این روش داده‌ها دارای ویژگی‌های سری زمانی و مقطعی هستند، از چندین شی تشکیل شده و چندین دوره را پوشش می‌دهند. داده‌های پانلی یا ترکیبی، مجموعه‌ای از داده‌ها هستند که شامل چند مقطع و یک دوره زمانی می‌باشند. مقطع می‌تواند بیانگر افراد، گروه‌ها، بنگاه‌ها، صنایع، کشورها و ... باشد، که البته مقطع معمولاً شرکت‌های بازار بورس یا کشورها می‌باشد. در یک تعریف عملیاتی، داده‌های پانل داده‌هایی هستند که به جای یک بعد (که معمولاً سال‌ها است)، دارای دو بعد زمان (سال) و مقطع (شرکت‌ها) می‌باشد. به همین دلیل دو بعدی بودن از نام‌های داده‌های ترکیبی یا داده‌های تابلویی برای آن استفاده می‌شود. دوره زمانی نیز چند سال یا چند نیم سال می‌باشد. دوره زمانی تحقیق ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ و برای کل استان‌های کشور می‌باشد.

با توجه به مدل مفهومی فرضیه‌های این تحقیق به شرح زیر است:

- ۱- تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر مخارج عمومی استان‌ها دارد.
- ۲- تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد.
- ۳- تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر نرخ رشد اقتصادی به سمت کاهش تعداد افراد فقیر در استان‌ها می‌شود.

۴-۱- مدل و تکنیک‌های تحلیل

این مطالعه به منظور تعیین تأثیر تمرکززدایی مالی بر توسعه انسانی در استان‌های ایران انجام شده است که در آن از هر استان سه شهرستان و شهر به عنوان نمونه انتخاب شده است. داده‌های تحقیق بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران و سالنامه‌های آماری استان‌ها استخراج شده است. تحلیل مدل این تحقیق با استفاده از روش رگرسیون و نرم‌افزار SPSS

$$EG = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} \quad (۴)$$

به طوری که در آن EG رشد اقتصادی و DF شاخص تمرکز زدایی مالی استان است.

۳- تأثیر شاخص تمرکز زدایی مالی و رشد اقتصادی بر جمعیت مردم کمتر برخوردار

بر اساس این مدل جمعیت مردم کمتر برخوردار متغیر وابسته و شاخص تمرکز زدایی مالی و رشد اقتصادی متغیرهای مستقل هستند.

$$PP = f(DF, EG) \quad (۵)$$

$$PP = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG \quad (۶)$$

به طوری که در آن EG رشد اقتصادی و DF شاخص تمرکز زدایی مالی استان و PP جمعیت افراد کمتر برخوردار استان است.

۴- تأثیر شاخص تمرکز زدایی مالی، مخارج عمومی، رشد اقتصادی و جمعیت مردم کمتر برخوردار بر شاخص توسعه سرمایه انسانی

بر اساس این مدل شاخص توسعه سرمایه انسانی متغیر وابسته و شاخص تمرکز زدایی مالی، رشد اقتصادی و جمعیت مردم کمتر برخوردار متغیرهای مستقل هستند.

$$HDI = f(DF, EG, PP, PE) \quad (۷)$$

$$HDI = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG + \beta_3 PP \quad (۸)$$

به طوری که در آن EG رشد اقتصادی و DF شاخص تمرکز زدایی مالی استان و PP جمعیت افراد کمتر برخوردار استان است.

۴-۳- آزمون قابلیت برآورد الگو به صورت پانل (آزمون F لیمر یا چاو)

در بررسی داده‌های مقطعی و سری‌های زمانی، اگر ضرایب اثرات مقطعی و اثرات زمانی معنی‌دار نشود، می‌توان داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین بزنیم (مدل تجمیعی یا پولد). از آنجایی که در اکثر داده‌های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری‌های زمانی معنی‌دار هستند این مدل که به مدل رگرسیون تجمیعی یا پولد (مقید) معروف است کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین برای اینکه بتوان مشخص نمود که آیا داده‌های پانل برای برآورد تابع مورد نظر کارآمدتر خواهد بود یا نه، فرضیه‌ای

۴-۲- مزایای روش پنل دیتا

۱- با ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی، داده‌های ترکیبی اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، هم خطی کمتر میان متغیرها، درجات آزادی بیشتر و کارایی بیشتری را ارائه می‌کنند.

۲- در مطالعه مشاهدات مقطعی تکراری، داده‌های ترکیبی به منظور مطالعه پویای تغییرات مناسب تر و بهترند. دوره‌های بیکاری، چرخش شغلی و تحرک نیروی کار با داده‌های ترکیبی بهتر بررسی می‌شوند.

۳- داده‌های ترکیبی، تأثیراتی را که نمی‌توان به سادگی در داده‌های سری زمانی و مقطعی مشاهده کرد، بهتر معین می‌کنند. برای مثال، اگر نوسان پیاپی افزایش حداقل دستمزد را در حداقل دستمزد بررسی کنیم، اثرات قوانین حداقل دستمزد را بر اشتغال و کسب درآمد بهتر می‌توان مطالعه کرد.

۴- داده‌های ترکیبی با ارائه داده برای هزاران واحد، می‌توانند تورش را که ممکن است در نتیجه لحاظ افراد یا بنگاه‌های اقتصادی (به صورت جمعی و کلی) حاصل شود، به حداقل برسانند.

۵- از آنجا که داده‌های ترکیبی به افراد، بنگاه‌ها، شرکت‌ها و کشورها و از این قبیل واحدها، در طی زمان ارتباط دارند، وجود ناهمسانی واریانس در این واحدها محدود می‌شود.

معادلات مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق از مدل تحقیق سویانتو (۲۰۰۹)^۱، لنگودی (۲۰۰۶)^۲ و خوسینی (۲۰۰۶)^۳ اقتباس شده است. به توجه به تعداد فرضیه‌های تحقیق چند مدل رگرسیونی به شرح زیر قابل تخمین است:

۱- تأثیر تمرکز زدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها بر اساس این مدل تمرکز زدایی مالی بر روی مخارج عمومی استان‌ها تأثیر دارد.

$$PE = f(DF) \quad (۱)$$

$$BP = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} \quad (۲)$$

به طوری که در آن PE مخارج عمومی استان و DF شاخص تمرکز زدایی مالی استان است.

۲- تأثیر تمرکز زدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها بر اساس این مدل تمرکز زدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها تأثیر دارد.

$$EG = f(DF) \quad (۳)$$

1. Suyanto (2009)
2. Langoday (2006)
3. Khusaini (2006)

را آزمون می‌کنیم که در آن کلیه عرض از مبداها (عبارات ثابت برآورد) با یکدیگر برابر هستند.

ضرایب ثابت (عرض از مبداها) هر استان به صورت فیکس شده به صورت زیر است:

فرضیه صفر این آزمون که به آزمون چاو یا اف لیمر معروف است، به صورت زیر می‌باشد:

استان	PROVINCES	Effect
آذربایجان شرقی	1 p1	4351.741
آذربایجان غربی	2 p2	-9510.833
اردبیل	3 p3	-25832.10
اصفهان	4 p4	-38166.43
ایلام	5 p5	52309.98
ایلام	6 p6	-18336.64
بوشهر	7 p7	-27790.14
تهران	8 p8	1255663.
چهارمحال و بختیاری	9 p9	-76296.36
خراسان جنوبی	10 p10	-28501.01
خراسان رضوی	11 p11	85865.95
خراسان شمالی	12 p12	-28380.14
خوزستان	13 p13	-32008.21
زنجان	14 p14	-38326.13
سمنان	15 p15	-29232.98
سیستان و بلوچستان	16 p16	-21159.76
فارس	17 p17	5062.426
قزوین	18 p18	-52952.20
قم	19 p19	-7453.604
کردستان	20 p20	-12789.95
کرمان	21 p21	-67350.49
کرمانشاه	22 p22	-834.3223
کهگیلویه و بویراحمد	23 p23	-6360.679
گلستان	24 p24	-23395.84
گیلان	25 p25	643.0589
لرستان	26 p26	-21402.50
مازندران	27 p27	-46268.05
مرکزی	28 p28	-55010.56
همرزگان	29 p29	-30755.65
همدان	30 p30	-26707.35
یزد	31 p31	-25087.97

$$H_0: \alpha_i = \alpha$$

$$H_0: \alpha_i \neq \alpha$$

در این آزمون فرضیه H_0 یعنی یکسان بودن عرض از مبداها در مقابل فرضیه H_1 یعنی ناهمسانی عرض از مبداها قرار می‌گیرد. در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیب‌ها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت ترکیب شدن داده‌ها و استفاده از مدل رگرسیون ترکیب شده مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیب شده مورد آزمون قرار خواهد گرفت.

نتایج مدل پولد و فیکس شده به صورت زیر است:

نتایج مدل فیکس

Dependent variable: Y
Method: Panel Least Squares
Date: 06/24/23 Time: 19:13
Sample: 1395 1400
Periods included: 6
Cross-sections included: 31
Total panel (unbalanced) observations: 180

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
X1	0.001986	0.000754	2.634734	0.0092
X2	0.008130	0.003885	2.092519	0.0379
X3	0.000216	0.000163	1.325118	0.1869
X4	0.005345	0.000328	16.31834	0.0000
C	-12877.85	18312.07	-0.703244	0.4829

Effects Specification

Period fixed (dummy variables)

	R-squared	Adjusted R-squared	S.E. of regression	Sum squared resid	Log likelihood	F-statistic	Prob(F-statistic)
	0.730545	0.716280	145065.0	3.58E+12	-2389.553	51.21142	0.000000

	Mean dependent var	S.D. dependent var	Akaike info criterion	Schwarz criterion	Hannan-Quinn criter.	Durbin-Watson stat
	170126.7	272343.7	26.66170	26.83909	26.73363	0.516036

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون F لیمر در جدول زیر نشان داده شده است.

Redundant Fixed Effects Tests
Equation: FIXED
Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	60.588769	(30,145)	0.0000
Cross-section Chi-square	468.958284	30	0.0000

Cross-section fixed effects test equation:
Dependent Variable: Y
Method: Panel Least Squares
Date: 06/17/23 Time: 21:15
Sample: 1395 1400
Periods included: 6
Cross-sections included: 31
Total panel (unbalanced) observations: 180

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
X1	0.001785	0.000647	2.760939	0.0064
X2	0.007797	0.003793	2.055931	0.0413
X3	0.000226	0.000160	1.417462	0.1581
X4	0.005329	0.000318	16.76415	0.0000
C	-8536.093	15945.46	-0.535331	0.5931

	R-squared	Adjusted R-squared	S.E. of regression	Sum squared resid	Log likelihood	F-statistic	Prob(F-statistic)
	0.728183	0.721970	143602.9	3.61E+12	-2390.339	117.2038	0.000000

	Mean dependent var	S.D. dependent var	Akaike info criterion	Schwarz criterion	Hannan-Quinn criter.	Durbin-Watson stat
	170126.7	272343.7	26.61488	26.70357	26.65084	0.524696

نتایج مدل پولد

Dependent Variable: Y
Method: Panel Least Squares
Date: 06/17/23 Time: 20:50
Sample: 1395 1400
Periods included: 6
Cross-sections included: 31
Total panel (unbalanced) observations: 180

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
X1	0.001785	0.000647	2.760939	0.0064
X2	0.007797	0.003793	2.055931	0.0413
X3	0.000226	0.000160	1.417462	0.1581
X4	0.005329	0.000318	16.76415	0.0000
C	-8536.093	15945.46	-0.535331	0.5931

	R-squared	Adjusted R-squared	S.E. of regression	Sum squared resid	Log likelihood	F-statistic	Prob(F-statistic)
	0.728183	0.721970	143602.9	3.61E+12	-2390.339	117.2038	0.000000

	Mean dependent var	S.D. dependent var	Akaike info criterion	Schwarz criterion	Hannan-Quinn criter.	Durbin-Watson stat
	170126.7	272343.7	26.61488	26.70357	26.65084	0.524696

مأخذ: یافته‌های تحقیق

استوار است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، مدل اثر ثابت و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد، مدل اثر تصادفی کاربرد خواهد داشت. فرضیه H_0 نشان دهنده عدم ارتباط بین متغیرهای مستقل و خطای تخمین و فرضیه H_1 نشان دهنده وجود ارتباط است.

به عبارت دیگر، قاعده تصمیم گیری آماری به قرار زیر است:

بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد: H_0

→ مدل اثرات تصادفی

بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد: H_1

→ مدل اثرات ثابت

بنابراین عدم رد فرض H_0 به معنای وجود مدل با اثرات تصادفی است.

نتایج رندم افکت به شرح زیر است:

Correlated Random Effects - Hausman Test			
Equation: FIXED			
Test period random effects			
Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Period random	1.392535	4	0.8455

** WARNING: estimated period random effects variance is zero.

Period random effects test comparisons:				
Variable	Fixed	Random	Var(Diff.)	Prob.
X1	0.001986	0.001785	0.000000	0.5931
X2	0.008130	0.007797	0.000000	0.6064
X3	0.000216	0.000226	0.000000	0.6266
X4	0.005345	0.005329	0.000000	0.8091

Period random effects test equation:				
Dependent Variable: Y				
Method: Panel Least Squares				
Date: 06/24/23 Time: 19:34				
Sample: 1395 1400				
Periods included: 6				
Cross-sections included: 31				
Total panel (unbalanced) observations: 180				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-12877.85	18312.07	-0.703244	0.4829
X1	0.001986	0.000754	2.634734	0.0092
X2	0.008130	0.003885	2.092519	0.0379
X3	0.000216	0.000163	1.325118	0.1869
X4	0.005345	0.000328	16.31834	0.0000

Effects Specification				
Period fixed (dummy variables)				
R-squared	0.730545	Mean dependent var	170126.7	
Adjusted R-squared	0.716280	S.D. dependent var	272343.7	
S.E. of regression	145065.0	Akaike info criterion	26.66170	
Sum squared resid	3.58E+12	Schwarz criterion	26.83909	
Log likelihood	-2389.553	Hannan-Quinn criter.	26.73363	
F-statistic	51.21142	Durbin-Watson stat	0.516036	
Prob(F-statistic)	0.000000			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به معیار کی دو در آزمون هاسمن تست و با توجه به اینکه سطح احتمال بیشتر از ۰.۵ است فرضیه صفر یعنی وجود اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود. لذا مدل رندم افکت است و با روش GLS تخمین‌ها تولید می‌شود و نگرانی از بابت خود همبستگی و واریانس ناهمسانی وجود ندارد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که نتایج آزمون F لیمر نشان می‌دهد سطح احتمال زیر ۰.۰۵ است لذا فرضیه پولد بودن رد می‌شود و مدل فیکس افکت است و عرض از مبدا مدل‌های تخمینی استان‌ها یکی نیستند. لذا برآورد رندم افکت به صورت زیر خواهد بود.

Dependent Variable: Y				
Method: Panel EGLS (Period random effects)				
Date: 06/24/23 Time: 19:27				
Sample: 1395 1400				
Periods included: 6				
Cross-sections included: 31				
Total panel (unbalanced) observations: 180				
Swamy and Arora estimator of component variances				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
X1	0.001785	0.000653	2.733112	0.0069
X2	0.007797	0.003831	2.035210	0.0433
X3	0.000226	0.000161	1.403175	0.1623
X4	0.005329	0.000321	16.59519	0.0000
C	-8536.093	16107.81	-0.529935	0.5968

Effects Specification		
	S.D.	Rho
Period random	0.000000	0.0000
Idiosyncratic random	145065.0	1.0000

Weighted Statistics			
R-squared	0.728183	Mean dependent var	170126.7
Adjusted R-squared	0.721970	S.D. dependent var	272343.7
S.E. of regression	143602.9	Sum squared resid	3.61E+12
F-statistic	117.2038	Durbin-Watson stat	0.524696
Prob(F-statistic)	0.000000		

Unweighted Statistics			
R-squared	0.728183	Mean dependent var	170126.7
Sum squared resid	3.61E+12	Durbin-Watson stat	0.524696

مأخذ: یافته‌های تحقیق

لذا باید با آزمون هاسمن رندم افکت را انجام دهیم.

۴-۴- آزمون هاسمن برای تشخیص مدل اثر تصادفی از مدل اثر ثابت

رایج‌ترین آزمون برای تعیین نوع مدل داده‌های (ترکیبی) تلفیقی، آزمون هاسمن است. اگر بعد از انجام دادن آزمون F لیمر فرضیه H_0 در مقابل فرضیه H_1 رد شده باشد، برای انتخاب بین روش ثابت و تصادفی می‌توان از این آزمون استفاده کرد.

به عبارت دیگر در صورتی که بر اساس نتایج آزمون اف لیمر (چاو) برای هر یک از فرضیه‌ها، استفاده از روش داده‌های پانل مورد تأیید واقع شود، به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) برای برآورد مناسب‌تر می‌باشد (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

آزمون هاسمن بر پایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل

$$PE = \beta_0 + \beta_1 DF_{it}$$

$$PE = 2.32 * 10^4 + 0.33 DF_{it}$$

t	3.25	4.23
-----	------	------

برای رابطه
شماره (۲)

$$R^2 = 0.25$$

$$EG = \beta_0 + \beta_1 DF_{it}$$

$$EG = 4.03366 * 10^3 + 8.2 * 10^{-2} DF_{it}$$

t	8.3	5.03
-----	-----	------

برای رابطه
شماره (۴)

$$R^2 = 0.76$$

$$PP = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG$$

$$PP = 53 - 6.83 * 10^{-4} DF_{it} + 0.000828 EG$$

t	8.966515	3.985565
-----	----------	----------

برای رابطه
شماره (۶)

$$R^2 = 0.98$$

۱- تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها

بر اساس شکل فوق تمرکززدایی موجب افزایش مخارج عمومی استان‌ها به نسبت درآمدهای آنها می‌شود. ضریب تعیین ۰.۲۵ درصد به این معنی است که بر روی مخارج عمومی به جز تمرکززدایی مالی عوامل مؤثر دیگری نیز وجود دارد. با این حال وجود ضریب احتمال صفر در مدل به معنی تایید فرضیه تأثیر گذاری تمرکززدایی مالی بر روی افزایش مخارج عمومی استان‌ها می‌گردد.

۲- تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها

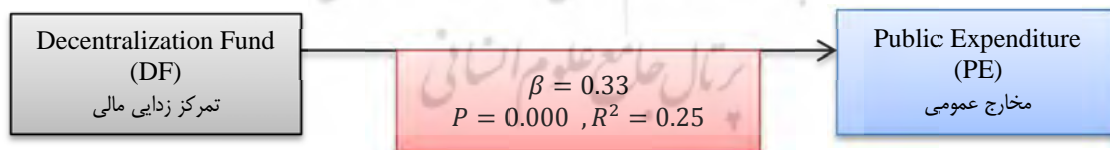
۴-۵- آزمون دیکي فولر ریشه واحد

آزمون مانایی عمدتاً به منظور جلوگیری از رگرسیون‌های کاذب انجام می‌گیرد. برای جلوگیری از رگرسیون کاذب بایستی متغیرها مانا باشند. در غیر اینصورت بایستی از تفاضل متغیرها که معمولاً مانا هستند، استفاده نمود. مانایی یا نامانایی یک سری زمانی می‌تواند تأثیر جدی بر رفتار و خواص آن داشته باشد. اگر متغیرهای مورد استفاده در برآورد مدل، ناپایا باشند در عین حالی که ممکن است هیچ رابطه منطقی بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود نداشته باشد ضریب تعیین به دست آمده آن می‌تواند بسیار بالا باشد و باعث شود تا محقق استنباط‌های نادرستی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها انجام دهد بنابراین استفاده از داده‌های نامانا می‌تواند منجر به رگرسیون‌های کاذب شود. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد و فرضیه مقابل پایا بودن حداقل یک عضو پانل می‌باشد.

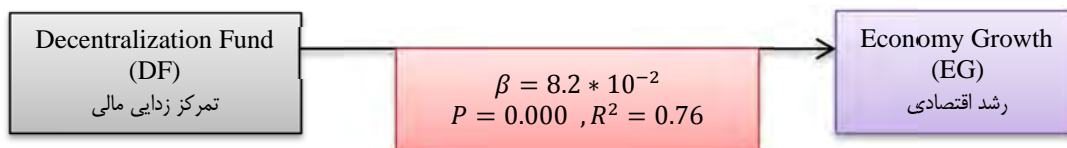
اولین گام در راستای تعیین پایایی یک متغیر، مشاهده ی نمودار سری زمانی آن است. اما ناپایایی برخی از متغیرها از روی نمودارهای آنها به صراحت مشخص نمی‌شود. بنابراین از آزمون‌های آماری و مشخصاً از آزمون ریشه واحد دیکي فولر برای این منظور استفاده می‌شود.

۵- یافته‌های تحقیق

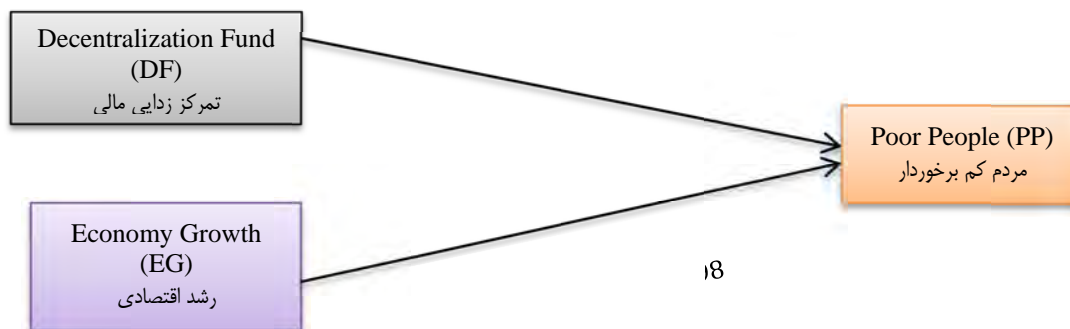
نتایج تحقیق برای ۲۷۰ مشاهده در روش تابلویی برای هر مدل به صورت زیر است.



شکل ۲. تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها
مأخذ: یافته‌های تحقیق



شکل ۳. تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها
مأخذ: یافته‌های تحقیق



شکل ۴. تأثیر تمرکز زدایی مالی و رشد اقتصادی بر مخارج عمومی استان‌ها
مأخذ: یافته‌های تحقیق

ارائه کمک‌های مالی بلاعوض به یک استان می‌تواند برای تأمین مالی هزینه‌های محلی، به ویژه مخارج عمومی مانند هزینه‌های اجتماعی و آموزش استفاده شود.

در این تحقیق به طور خاص، تحقق عملکرد سیاست تمرکز زدایی مالی بر روی رشد اقتصادی به عنوان یک نمای کلی اقتصادی در استان‌ها و شهرستان‌های ایران بر اساس بررسی نظری و تجربی ارزیابی شد که می‌توان به شرح زیر نتایج آن را بیان کرد:

۱- ثابت شد که افزایش تمرکز زدایی مالی و برگشت درآمدهای هر استان به همان استان و حتی کمک‌های بلاعوض دولت مرکزی، تأثیر مثبت قابل توجهی بر میزان مخارج عمومی استان‌ها دارد، سپس افزایش مخارج عمومی باعث شده است که استان‌ها ظرفیت مالی خود را افزایش دهند.

۲- افزایش وجوه تمرکز زدایی مالی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است.

۳- هر چقدر جمعیت افراد کم درآمد در استان‌ها بیشتر باشد، تمرکز زدایی مالی بیشتری باید توسط دولت مرکزی صورت پذیرد.

۴- افزایش رشد اقتصادی استان‌ها تأثیر قابل توجهی بر کاهش کل جمعیت فقیر ندارد، بنابراین افزایش بودجه تمرکز زدایی منجر به کاهش قابل توجه جمعیت فقیر نمی‌شود.

نتایج ناشی از یافته‌های تحقیق در شکل ۳ نشان از تأثیر مثبت تمرکز زدایی مالی بر رشد اقتصادی دارد. ضریب تعیین ۰.۶۲ نشان از تأثیر بالای تمرکز زدایی بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد.

۳- تأثیر شاخص تمرکز زدایی مالی و رشد اقتصادی بر جمعیت مردم کمتر برخوردار

بر اساس شکل فوق تمرکز زدایی مالی باعث اثر محدودی بر جمعیت افراد کم درآمد (6.83×10^{-4}) و رشد اقتصادی باعث کاهش جمعیت افراد کم درآمد می‌گردد. ضریب تعیین ۰.۹۸ نشان از توضیح خوب تغییر متغیر وابسته یعنی جمعیت افراد کم درآمد در برابر متغیرهای مستقل دارد.

با توجه به تحلیل‌های فوق تمرکز زدایی مالی موجب افزایش رشد اقتصادی در استان‌های کشور می‌گردد به طوری که چنانچه یک درصد تمرکز زدایی مالی انجام شد در حدود ۶۲ صدم درصد میزان رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.

علاوه بر این تمرکز زدایی مالی موجب کاهش جمعیت افراد کمتر برخوردار از طریق بهبود مخارج عمومی در استان‌ها می‌گردد.

۶- نتیجه گیری

به طور کلی، تمرکز زدایی مالی تأثیر مثبت قابل توجهی بر رشد اقتصادی HDI دارد، بنابراین افزایش تمرکز زدایی مالی از طریق برگشت درآمدهای هر استان به همان استان و یا

منابع

جوکار، خدیجه؛ دهقان شبانی، زهرا و صمدی علی حسین (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر تمرکز زدایی مالی بر فقر و توزیع درآمد در ایران". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه

اطاعت، جواد و موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۹). "تمرکز زدایی و توسعه پایدار در ایران". *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۷۱، ۱۰۶-۸۹.

- شیراز.
حسنوند، علی؛ فلاحتی، علی و سهیلی، کیومرث (۱۳۹۷).
"تحلیل و بررسی تمرکززدایی مالی بر کارایی و بهبود عملکرد بخش سلامت و درمان در ایران".
سامتی، مرتضی و فرهنگ، شکوفه و موسوی، مریم السادات (۱۳۹۱). "تحلیل اثرات تمرکززدایی مالی بر ارتباط متقابل رشد و توزیع عادلانه منابع مالی در استان‌های ایران (۱۳۸۶-۱۳۸۰)". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴ (۳)، ۱-۲۲.
- سلامی، فریبا؛ فقه‌مجیدی، علی و محمدی، احمد (۱۳۹۵).
"بررسی همگرایی درآمدی بین استان‌های ایران با تأکید بر روش تحلیل خوشه‌ای". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۸۰، ۱۹۴-۱۶۷.
- صادقی شاهدانی، مهدی و کمیجانی، اکبر و زاهدی وفا، محمدهادی و غفاری فرد، محمد (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد و توزیع درآمد در مناطق مختلف ایران". *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۲ (۴۷): ۹۷-۱۲۲.
- عباسی، ابراهیم؛ رستگاریا، فاطمه و حسینو، مهدی (۱۳۹۴).
Center for Public Policy Working Paper Series, at AYSPS, GSU paper0824, International Center for Public Policy, Andrew Young School of Policy Studies, Georgia State University.
- Hiroko, Uchimura & Yurika, Suzuki. (2009). "Measuring Fiscal Decentralization in the Philippines," *IDE Discussion Papers 209, Institute of Developing Economies, Japan External Trade Organization (JETRO).*
- Khusaini, M. (2006). "Decentralization Finance Studies. Influences Toward Public Economic, Growth and Welfare Society". *Studies in East Java Province*. Disertation Brawijaya University (not published).
- Langoday, O. T. (2006). "Influence of Decentralization and Fiscal Equality and Tax in Nusa Tenggara Timur Province". *Disertation Brawijaya University* (Not Published).
- Mankiw, N. G. (2003). "Macroeconomics". 4th ed. New York: Worth Publisher.
- Mardiasmo. (2001). "Budgeting Management Structure in Decentralization Era".
- "بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت و رشد اقتصادی استان‌ها". *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۰ (۲): ۱۹-۳.
- غفاری فرد، محمد (۱۳۹۱). "مدل‌سازی آثار اقتصادی تمرکززدایی مالی در مناطق مختلف ایران در راستای توسعه عدالت محور". *پایان‌نامه دکتری در رشته علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه اسلام.*
- غفاری فرد، محمد و صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱).
"بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌های مختلف ایران". *فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۷ (۴): ۳-۲۴.
- گل‌خندان، ابوالقاسم و بابائی آغ‌اسماعیلی، مجید و محسنی‌نیا، رقیه (۱۳۹۶). "سنجش تأثیر غیرخطی تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت در استان‌های ایران (رهیافت cup-fm)". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۵ (۸۲)، ۱۱۱-۱۳۷.
- Badan Pusat Statistik (BPS). (2005). "Macro Indicator Analysis in East Java Province". *Suarabaya: Center of Statistic.*
- Bahl, R. (2013). "Implementation Rules For Fiscal Decentralization". *Annals of Economics and Finance, Society for AEF*, 14(3), 851-884.
- Bilin, N. (2010). "Fiscal Decentralization and deficits: International Evidence". *European Journal of Political Economy, Elsevier*, 26(2), 155-166.
- Bird, M. R. & Francois Vaillancourt. (1998). "Fiscal Decentralization in Development Countries". *Jakarta: Gramedia.*
- Bird, M. R. & Vaillancourt, F. (2000). "Fiscal Decentralization in Development Countries". *Jakarta: Gramedia Pustaka Utama.*
- Dincer, O. (2010). "Fiscal Decentralization and Trust". *Public Finance Review*, 38(2), 178-192.
- Ehtisham, A. & Mercedes, G. (2008). "Constraints to Effective Fiscal Decentralization in Peru," *International*

- Workshop Paper SIAGA Project. Yogyakarta: STIE.*
- Mardiasmo. (2002). "Management and Otonomies Financial". *Yogyakarta: Andi.*
- Martinez-Vasquez, J & McNab. R. (2001). "Fiscal Decentralization and Economic Growth". International Studies Programme. Georgia State University. Working paper0101, International Center for Public Policy, Andrew Young School of Policy Studies, Georgia State University. Martinez-Vasquez, J., Boex, J. (2001), Russia's Transition to a New Federalism, Report No. 22026.
- Martinez-Vasquez, J. & McNab, R. (1997). "Fiscal Decentralization, Economic Growth". and Democratic.
- Martinez-Vazquez, J & McNab, R. (2005). "Fiscal Decentralization, Macrostability, and Growth (2005)". *International Center for Public Policy Working Paper Series, at AYSPS, GSU paper0506, International Center for Public Policy, Andrew Young School of Policy Studies, Georgia State University.*
- Sidik, Muhammad. (2002). "Balancing of Finance Central and Region for Fiscal Decentralization. Theory and Applied". *Seminar paper in Gajahmada University. Yogyakarta: Local Politic Programme Study Postgraduet Gajahmada University.*
- Sugiyono. (2003). "Handbook for Administration Metodology Reseach". *Bandung: Alfabeta.*
- Suyanto. (2009). "Region Outonom, Riil and responsibility". *Jakarta: Ghalia.*

COPYRIGHTS



© 2023 by the authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی